

نگاهی به رمان «بوم و اندوه بومی» اثر منصور علیمرادی، براساس زندگی حبیبه برومند نقاش کرمانی؛

جهانی برآمده از رنگ و رنج و رُخ

محمد لطیف‌کار



یک خط تا انتهای آن دالان عظیم ردیف شده بودند. غبار کم‌رنگی در استوانه‌های سفید نور می‌رقصید... هر روز چیزی تازه کشف می‌کرد که در طول مسیر سرش را گرم کند. یک روز دکان سنگگی و روز دیگر مغازه عطاری، حرکات حساب شده‌ی نانوا و شاگردش که مدام در جنبش بودند... آن وقت به دو به مدرسه می‌رفت و می‌دانست که با ترکه‌های خیس خورده در حوض لجن بسته‌ی حیاط از او پذیرایی می‌کنند... هر وقت از مسیر بازار می‌گذشت، صدای یا هو گفتن‌های دسته‌جمعی مردان از مغازه‌ی نمدمالی می‌آمد. دکانی بود تاریک و نمناک که بوی کپک می‌داد و به سختی می‌شد هیکل لاغر مردان را در کنار گونی‌های بزرگ پشم تماشا کرد... چه می‌خواهی بچه؟ می‌خواهم ببینم... مگر تو درس و مدرسه نداری؟ دارم. پس اینجا چه می‌کنی؟ می‌خواهم ببینم. تو دختر که هستی؟ دختر برومند...» ص ۳۲.

داستان حبیبه برومند، همچنین به علاقه‌ی او به ورزش و نقاشی و شیطنت‌های کودکی‌اش ختم نمی‌شود، هر چند هر کدام از این دنیاها حال و حکایت هم دارند. این رمان به «علی» یا مهندس بدایت، همسر او هم می‌پردازد، به دومان پسر بزرگ خانواده که دچار معلولیت ذهنی است هم می‌پردازد، و این بانوی هنرمند، علاوه بر مادری، برایش معلم و مربی دل‌سوز و آگاهی هم می‌شود تا او را آموزش‌پذیر کند و موفق هم می‌شود. این رمان از «پویان» فرزند دوم خانواده هم می‌گوید که فوق‌لیسانس خود را با معدل نزدیک به بیست می‌گیرد و در کنار تحصیل، دو ساز ارگ و گیتار هم می‌نوازد، طراحی می‌کند، شعر می‌نویسد، و بعد سراغ روان‌شناسی و ریاضی هم می‌رود و دکترایش را تا علوم کامپیوتر ادامه می‌دهد. به «زویا» فرزند سوم و تحمل مرگ خود خواسته‌اش هم توجه دارد. «دومان سه سال و نیم داشت و پویان دوساله بود که زویا متولد شد... زویا هم مثل پویان خلاق بود. به محض این‌که توانسته بود مداد به دست بگیرد، شروع کرده بود به نقاشی... دوازده سال بیشتر نداشت که برای تصویرگری پنج کتاب کودک به او درخواست کار دادند...» و ده‌ها استعداد دیگر... اما او خیلی زود رفت. برای این بانوی نقاش، «مرگ زویا مرگ نبود، طوفان ویرانگری بود که به یک پاره درخت امیدش را از ریشه برکند...» برای شناخت این هنرمند و آثارش باید همه‌ی این‌ها را دانست و بررسی کرد. مرور این ویژگی‌ها و اتفاقات زندگی اوست که می‌تواند گوشه‌ای از نهاد نا آرام او و رموز پنهان در آثارش را به ما نشان دهد. حالا از آن اتفاق سال‌ها گذشته است و بانو برومند همه‌ی این رنج‌ها را تاب آورده است...

بندهای پایانی کتاب هم مثل شروع آن زیبا و تامل برانگیز است: «مدتی است که در خلصه‌ی تمام نقاشی می‌کند. بدون احساس خستگی چهار پنج ساعت بی‌وقفه کار می‌کند. وقتی صبح می‌شود و با صدای اذان به حالت عادی برمی‌گردد، او دیدن تابلو شوکه می‌شود. باور نمی‌کند دنیایی که بر بوم با آن همه طرافت آفریده شده، کار خود او باشد. فکر می‌کند او فقط رنگ‌ها را بر بوم پاشیده و دستی از ناکجاآباد، از جهان نامرئی آن نقش‌ها را شکل داده است...» رمان «بوم و اندوه بومی»، تنها یک رمان یا زندگی‌نامه نیست؛ به گمان من، اتفاق خوبی است، که ای کاش به وفور رخ بدهد. برای شناخت هنرمندان و آثار آن‌ها این نوع کوشش بسیار با اهمیت است. زیرا در این مجال زندگی آن‌ها بررسی می‌شود، به جامعه‌ی مخاطب معرفی می‌شوند، و مخاطب امکان بهتری برای درک آثارش را هم پیدا می‌کند.

رفته‌ی خودش را برگرداند. کرمان یعنی همه‌ی ۶۳ سال زندگی در میان همین کوچه‌پس‌کوچه‌های گلی تابلوی پیش رو...» ص ۶.

با این شروع پر احساس ما با شخصی آشنا می‌شویم که هنرمند است، و به رنگ‌ها و نورهای اطرافش بسیار حساس است، بوی رنگ در زندگی او جریان دارد و در همین حال، صدای زوزه‌ی کتری را هم از آشپزخانه‌اش می‌شنویم... «بر می‌خیزد. از پنجره به بلوار روبرو نگاه می‌کند. «علی» دیر کرده، صدای «دومان» از اتاق «زویا» می‌آید. می‌رود آشپزخانه، قوری چای را می‌گذارد سر کتری، نگاهی به دیوارهای هال می‌اندازد که مزین به تابلوهای متنوع با قاب‌های مختلف و اندازه‌های متفاوتند. جهانی از رنگ و رنج و رخ...» ص ۶.



با این شروع پر احساس ما با شخصی آشنا می‌شویم که هنرمند است، و به رنگ‌ها و نورهای اطرافش بسیار حساس است، بوی رنگ در زندگی او جریان دارد و در همین حال، صدای زوزه‌ی کتری را هم از آشپزخانه‌اش می‌شنویم... «بر می‌خیزد. از پنجره به بلوار روبرو نگاه می‌کند. «علی» دیر کرده، صدای «دومان» از اتاق «زویا» می‌آید. می‌رود آشپزخانه، قوری چای را می‌گذارد سر کتری، نگاهی به دیوارهای هال می‌اندازد که مزین به تابلوهای متنوع با قاب‌های مختلف و اندازه‌های متفاوتند. جهانی از رنگ و رنج و رخ...» ص ۶.

هنر و مهارت علیمرادی این است که به ریز به ریز جنبه‌های زندگی برومند سرک می‌کشد، تا به کشفی تازه در مورد او نائل شود. او همه‌ی این خرده روایت‌ها

در شروع داستان، با یک تصویر بسیار موجز از زندگی این هنرمند، تابلوها و کارگاهش مواجهیم؛ یک شروع پر از لطافت، که خواننده را برانگیزاند تا با کنجکاوی این روایت را دنبال کند: «نیمی از خورشید گداخته‌ی کویری پشت کوه‌های صاحب‌الزمان گیر کرده است. سایه‌ی کوه قلعه دختر در شرق شهر، تا پشت دیوار بلند یک برج نیمه‌ویران پهن شده. برخی بازمانده از بارویی بلند در روزگار سلاجقه. سرشاخه‌های کاجی خشک از میان چند بام گنبدی در فضای نیمه‌تمام تابلو به جانبی خم شده‌اند که وزش بادی ناپیدا را القا می‌کنند.

رنگ‌ها را در گوشه‌ی میز ترکیب می‌کند. به نظرش هنوز گیرایی گرم خورشید مدور کرمان، آن طور که لازم بوده، در نیامده. رنگ طلایی شعاع‌های آفتاب به دلش نمی‌نشیند. انوار طلایی سردند. اتاق کار در تسخیر بوی رنگ است و صدای کتری از آشپزخانه می‌آید. کرمان را باید طوری بر بوم بسازد که انگار بخواهد جوانی از دست

منصور علیمرادی نویسنده‌ی بزرگی است که اگر بخواهم ویژگی مهم او را در یک جمله توصیف کنم، می‌گویم همه‌ی وجودش، سرزمین و قومی است که او در آن پرورش یافته. حالا هم که هزاران کیلومتر از سرزمین آبا و اجدادی دور است، باز هم قلب او در این جا می‌تپد. کتاب «بوم و اندوه بومی» که به تازگی از او منتشر شده یکی از آن نشانه‌هاست؛ رمانی بر اساس زندگی بانوی هنرمند، حبیبه برومند نقاش خودآموخته‌ی کرمانی است. یک زندگی‌نامه واقعی است، که به سیاق یک رمان، مشحون از تخیل و تکنیک نویسندگی است.

«بوم و اندوه بومی» را اخیراً نشر خزه منتشر کرده، و رمانی است که علیمرادی با زبانی نرم و شاعرانه آن را پس از انجام پژوهش، نوشته و نشان می‌دهد که چگونه این نقاش خودآموخته، به دستاوردها و آفریده‌های ارزشمندی نائل آمده است. ماجرای نوشتن این رمان به چند سال پیش بر می‌گردد. علیمرادی در مقدمه‌ی کتاب می‌نویسد: «دوازده سال پیش به اتفاق دو دوست نازنین برای دیدن آثار نقاشی خانم حبیبه برومند به منزلشان رفتم.» نوشتن در باره‌ی او از همان ابتدا برایش چالش برانگیز بوده است: «نوشتن یک اثر داستانی در مورد زندگی یک آدم شناخته شده و واقعی در شهری واقعی و در مناسبات با آدم‌های واقعی، کاری است پیچیده و صعب؛ چراکه داستان بر تخیل و تکنیک و بداعت استوار است و در ژانر داستان، زندگی‌نامه، نمی‌توان از حد و حدود حقیقت و واقعیت ذره‌ای یا فراتر گذاشت تا خواننده بتواند به درکی درست از ماهیت زندگی شخصیت اصلی برسد.»

تصمیم نهایی او این می‌شود که بر واقعیت زندگی این نقاش، جامه‌ای از واقعیت بدوزد، تا مخاطب روایت این زندگی، بر مدار واقعیت تلقی کند؛ آن چنان که تاکید دارد: «این اثر به تمامی بر مبنای مستندات» است که او «در ضمن آشنایی با خانواده بدایت (نام خانوادگی همسر حبیبه برومند) و خواندن نزدیک به هزار صفحه یادداشت از خانم استاد حبیبه برومند به دست آمده است.»

به این ترتیب، او در کتاب «بوم و اندوه بومی» از زوایای مختلف، با نثری زیبا و شعرگونه زندگی هنری، خانوادگی، کودکی و نوجوانی‌اش را می‌کاود. به طوری که هر فصل کتاب، انگار دیداری تازه با «برومند» است و لایه‌ای از زیست هنری و اجتماعی او را که تا کنون از چشم بسیاری پنهان بوده است، را آشکار می‌کند.

در شروع داستان، با یک تصویر بسیار موجز از زندگی این هنرمند، تابلوها و کارگاهش مواجهیم؛ یک شروع پر از لطافت، که خواننده را برانگیزاند تا با کنجکاوی این روایت را دنبال کند: «نیمی از خورشید گداخته‌ی کویری پشت کوه‌های صاحب‌الزمان گیر کرده است. سایه‌ی کوه قلعه دختر در شرق شهر، تا پشت دیوار بلند یک برج نیمه‌ویران پهن شده. برخی بازمانده از بارویی بلند در روزگار سلاجقه. سرشاخه‌های کاجی خشک از میان چند بام گنبدی در فضای نیمه‌تمام تابلو به جانبی خم شده‌اند که وزش بادی ناپیدا را القا می‌کنند.

رنگ‌ها را در گوشه‌ی میز ترکیب می‌کند. به نظرش هنوز گیرایی گرم خورشید مدور کرمان، آن طور که لازم بوده، در نیامده. رنگ طلایی شعاع‌های آفتاب به دلش نمی‌نشیند. انوار طلایی سردند. اتاق کار در تسخیر بوی رنگ است و صدای کتری از آشپزخانه می‌آید. کرمان را باید طوری بر بوم بسازد که انگار بخواهد جوانی از دست

انتقاد عضو هیات رئیسه اتاق کرمان؛
صدر مجوز احداث نیروگاه
خورشیدی تسهیل شود

گروه اقتصاد: عضو هیات رئیسه و ناظر مرکز کسب و کار اتاق کرمان با اشاره به سختی فرایند صدور مجوزهای مربوط به احداث و فعالیت نیروگاه‌های خورشیدی، بر ایجاد یک مرکز واحد متشکل از نمایندگان دستگاه‌های مختلف مرتبط با صدور مجوز با هدف تسهیلگری تاکید کرد.

عباس جبالبارزی، در نشست مشترک مرکز کسب و کار و اندیشکده انرژی اتاق کرمان با مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق شمال استان، افزود: توان مالی صنایع در دو سال اخیر تحلیل رفته و تأمین مواد اولیه و تجهیزات در این حوزه نیز دشوارتر شده است. به نقل از روابط عمومی اتاق کرمان، وی همچنین به مشکلات شهرک صنعتی شماره ۳ کرمان اشاره کرد و گفت: خاموشی مضاعف به دلیل قرار گرفتن بر روی فیدر عمومی رتبه‌بندی مشترکان برق برای اعمال خاموشی و نحوه برخورد مأموران قطع برق با واحدهای تولیدی از مشکلات این شهرک صنعتی است.

جبالبارزی، در ادامه و برای جلوگیری از ضرر و زیان بیشتر، برگزاری دوره‌های آموزشی و آگاه‌سازی واحدهای تولیدی را ضروری دانست.

رئیس مرکز کسب و کار اتاق کرمان نیز در این نشست از اعمال هزینه ترانزیت برق بر روی قبض مشترکان با دیماند کمتر از یک مگاوات انتقاد کرد و خواستار توقف اجرای آن تا زمان تعیین تکلیف قانونی شد. عباس عسجدی، با اشاره اینکه در قوانین موجود هیچ اشاره‌ای به دریافت این نوع هزینه ترانزیت نشده است، افزود: مرکز کسب و کار از طریق دیوان عدالت اداری پیگیر این موضوع است. وی ادامه داد: باید برای اعمال خاموشی آن دسته از صنایعی که برق خود را از نیروگاه‌ها خریداری می‌کنند اما در زمان پیک مصرف به دلیل اشباع خطوط انتقال مشمول قطع برق می‌شوند، چاره‌اندیشی شود. محمدعلی پورامیری، رئیس اندیشکده انرژی اتاق کرمان نیز در این نشست در خصوص مسائل مربوط به حوزه انرژی خورشیدی مطالبی عنوان کرد و خواستار انجام همکاری‌های بیشتر در این حوزه شد. گفتنی است، این نشست با هدف هم‌اندیشی برای به حداقل رساندن خاموشی‌های صنایع کوچک و متوسط در سال ۱۴۰۵ برگزار شد.

در محل دائمی نمایشگاه بین‌المللی تهران؛
پایون اتاق کرمان در
نمایشگاه فرش دستباف تهران
دایر شد

گروه اقتصاد: پایون اتاق کرمان در سی و دومین نمایشگاه فرش دستباف تهران که از ۴ الی ۸ اسفندماه جاری در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار می‌شود، برپا شد. آیین افتتاح این نمایشگاه با حضور سیدمهدی طبیب‌زاده رئیس اتاق کرمان، حسن پور نماینده کرمان و راوور و جمعی از فعالان این حوزه و سفیرای خارجی برگزار شد. به نقل از روابط عمومی اتاق کرمان، پایون اتاق کرمان در این نمایشگاه در سالن ۳۸ نمایشگاه فرش دستباف تهران و در مساحتی بیش از ۱۲۲ مترمربع برپاست که در آن سه شرکت فعال حوزه فرش دستباف استان عضو اتاق کرمان شامل شرکت فرش دستباف محمودی، ابوالهادی و زندگی، منتخبی از تولیدات قالی و گلیم خود را در معرض دید بازدیدکنندگان قرار دادند. مهم‌ترین اهداف حضور پایون اتاق بازرگانی کرمان در این نمایشگاه معرفی برند فرش کرمان و بازتعریف جایگاه آن در بازارهای داخلی و صادراتی، حمایت از تولیدکنندگان، بافندگان و فعالان فرش دستباف استان، ایجاد ارتباط مستقیم با تجار، خریداران و فعالان بازار فرش، توسعه شبکه‌سازی و هم‌افزایی میان فعالان بخش خصوصی و نهادهای مرتبط، توجه هم‌زمان به نوآوری، طراحی روز و تطبیق با سلیقه بازارهای هدف در کنار حفظ اصالت، است.

در این نمایشگاه ۱۳۸ شرکت داخلی، تازه‌ترین ظرفیت‌های تولیدی، هنری و صادراتی فرش دستباف کشور از جمله مجموعه‌ای متنوع از فرش‌های نفیس دستباف، تابلوفرش و محصولات جانبی را در قالب ۳۱۰ غرفه در سالن‌های ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱ و ۳۲۲، ۱/۴۴ به نمایش گذاشته‌اند.